

|                                                                                                                                           |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <div><div><span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div>ایران</div></div></div></div></div>                            | <div>تلفن: ۰۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۰۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۰۸۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روایب عمومی / نقاشی: تهران خیابان خرمشهرشماره ۲۰۸ مندوق پستی: ۵۳۳۸۰-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پدیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۸۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲ http://irannewsaper.ir</div> |
| اذان ظهر ۱۲/۰۷   اذان مغرب ۱۷/۲۱   نیمه شب شرعی ۲۳/۲۲   اذان صبح فردا ۵/۴۴   طلوع آفتاب فردا ۷/۱۴                                         |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |
| <b>امام‌رضا(ع):</b> ایمان یک درجه بالاتر از اسلام است و تقوایک درجه بالاتر از ایمان است و به فرزند آدم چیزی بالاتر از یقین داده نشده است. |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |
| <b>سخن روز</b>                                                                                                                            | <b>تحف العقول، ص ۴۲۵</b>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                    |

|                                                                                                               |                                                                              |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------|
| <div><div><span><span></span></span></div><span><b>نگاره</b></span></div>                                     | <div><div><span><span></span></span></div><span>امیرعباس تبریزی</span></div> |
| <div>ز نقش بند قضا هست امید آن حافظ که همچو سرو به دستم نگار باز آید</div>                                    |                                                                              |
| <div><div><span></span><div><div><span><span></span></span></div><div><div>حافظ</div></div></div></div></div> |                                                                              |



## #واکسن ایرانی

می ساخت الان تو بوقُ کرنا می کردن که چرا زیرساخت لازم نداریم که تو ایران واکسن بسازیم؟»، «واکسن خارجی زدی یا ایرانی؟ کم‌کم شروع میشه»، «واکسن ایرانی به نفر اول تزریق شد، اما جالب‌ترین چیز این بود بود. عکس‌های این تست داوطلب تست واکسن را در شبکه‌های اجتماعی زیاد دیدیم و کاربران آرزو می‌کردند تست واکسن ایرانی موفقیت‌آمیز باشد: «ان‌شاءالله این واکسن ایرانی که تست اناسایش از امروز آغاز شده بسرعت نتایج مثبتیش اعلام بشه و سال جدید رو با ایمنی عمومی مردم شدن، جای تقدیر و تشکر دارد. ان‌شاءالله که نتایج مطلوب حاصل و وارد فاز تولید انبوه بشیم»، «بیایید با هر تفکر، دین، آیین و اعتقادی که داریم دعا کنیم واکسن ایرانی جواب بده.امیدوار باشیم و انرژی مثبت بفرستیم... بیایید ما جزو اونایی نباشیم که الان دارن تو دلشون خدا خدا می‌کنند که تست ایرانی شکست بخوره.»، «به‌عنوان یه دختر به خانم طیبه مخبر که اولین داوطلب تست انسانی واکسن کرونای ایرانی بودن و شجاعانه این فرآیند افتخارآفرینی رو تکمیل کردن، غیبه می‌خورم.»، «امیدوارم بهترین نتایج کسب بشود و هرچی سریع‌تر در مسیر تولید انبوه قرار بگیرد، حرکت مخبر در قراردادن نام فرزندش ابتدای صف داوطلبان تست حرکت هوشمندانه‌ای در راستای جلب اعتماد عمومی است».

جمععی شروع کنیم»، «چقدر این عکس‌های تزریق واکسن ایرانی حس خوبی داره. با دیدن هرعکس بغض می‌کنم. اونم ایرانی که زیر بار انواع فشارها و تحریم‌هاست. ان‌شاءالله که ثمربخش باشه. دمتون گرم و خداقوت.»، «فرزند عزیزه، دختر عزیزتر؛ اینکه آقای مخبر تست واکسن ایرانی رو از دخترش شروع کرده خیلی معنی میده.»، «قطع به یقین اگر یک ایرانی مقیم خارج از کشور واکسن کرونا رو



نیودم ولی از کمالات ایشون باخبرم»، «مردی که حتی سنگ قبرش هم عکس و خبر می‌شود و می‌چسبد به جان و جهان مردم ایران، چند تابلو بر دیوار یک خیابان می‌خواهد چکار؟»، «دین‌داری و دین‌داری‌ها، این سنگ قبر شجریان روتا به بابا نشون دادم زر زیر گریه، انگار این غمش هیچ وقت نموم نمیشه»، «درست و غلط شو نمیدونم ولی این خیلی حرفه که به بزرگی مثل شجریان باشی و بعد به خودت بگی خاک پای مردم.»، «ولی من خجالت می‌کشم از اینکه روی سنگ مزار شجریان نوشتن خاک پای مردم ایران!»، «همایون شجریان بنده خدا اون شب اینقدر از افرادی امثال «چرا تهران نه»‌ها ترسیده، سی چهل پاراگراف برای انتخاب سنگ مزار مرحوم شجریان توضیح نوشته»، «اسم و فامیل محمدرضا شجریان

می‌نوشتند: «بر سنگ مزارش هم حک شد خاک پای مردم ایران. عالیجناب شجریان...»، «افتخار و فرزند پاک خاک این سرزمین، اسطوره‌ای از اساطیر ایران. نام و یاد استاد محمدرضا شجریان تا ابد در قلب ما و تارک تاریخ می‌درخشد.»، «ما خاک پائیم سلطان، اسمت یادگاری سردر ایران میمونه تا ابد. جالبه که بگم من طرفدار سبک موسیقی استاد

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |                                                                                                                                                             |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <div><div><span><span></span></span></div><span><b>علیرضا تابش: سینمای ایران رونق پیدا می‌کند</b></span></div>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       | <div><div><span><span></span></span></div><span>مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی در گفت‌وگو با ایلنا از اثرات شیوع کرونا بر سینمای ایران صحبت کرد</span></div> |
| <div><div><span><span></span></span></div><span>شاید در دو سال آینده، به جای رکود، شاهد تغییر الگوی مصرف در سینما و اتفاقاً آغاز عصر جدیدی از رونق سینما در قالب صنعت - فرهنگ باشیم. اتفاقی که در تمام دنیا در حال وقوع است که با نگاه هوشمند می‌توان نشانه‌های آن را در کشورمان هم دید. این همه اقبال به سامانه‌های آنلاین پخش ویدئوی درخواستی از سوی مردم، با بحران کرونا تسریع شد و عملاً موج عصر جدید پسادিজیتال را به سینما کشاند.</span></div> |                                                                                                                                                             |
| <div><div><span><span></span></span></div><span>مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی در گفت‌وگو با ایلنا از اثرات شیوع کرونا بر سینمای ایران صحبت کرد</span></div>                                                                                                                                                                                                                                                                                          |                                                                                                                                                             |

## به بهانه زادروز لیلیت تریان مجسمه ساز پیشکسوت چهره یک هنرمند نوگرا

خانم لیلیت تریان مجسمه ساز پیشکسوت طبیعتاً در یک زمینه اجتماعی معین معنا می‌دهد. مثل خیلی از افراد دیگر که در یک زمینه اجتماعی شکل می‌گیرند و رشد می‌کنند. اومتعلق به دورانی است که جریانات نوآورانه در هنر و موج نوجوایی و مدرنیسم در حال رشد بود.

ایشان به تبع همین موضوع درششان را در فرانسه ادامه دادند و با سنت کلاسیک تدریس آکادمیک اروپایی اما به شکل تحول یافته آشنا می‌شوند و این مختصات آنهایی است که در اروپا درس خواندند. و تلفیقی بین تدریس دانشگاهی و سوییای به نگاه تجدد و نوجواهی در هنر باعث شد که او در آنجایک شخصیت هنری پیدا کند که به مختصات روانی خود استوار است. او به گونه‌ای از رفتار اصولگرا پایبند و در عین حال نوآور و با نگاه به واقعیت به ایران بازمی‌گردد و تدریس را شروع می‌کند و می‌تواند مؤثر باشد و مهم‌ترین فاکتورهای نیاز آموزش را جواب دهد. بگ وجهه مشخصه شخصیت ایشان توان تدریس است. تمام دانشجویایی که از محضر ایشان بهره گرفتند، بلااستثنا ایشان را یادشان است.

وجه دوم شخصیت او وجه هنرمندانه ایشان است. هرچند تعداد کارهای ایشان بالا نیست و دلایل مختلفی دارد اما کار او از چند وجه مشخص جدی برخوردار است. خانم تریان بشدت دقیق و منسجم است و کنترل شده از روابط بصری که از واقعیت اخذ شده است. او هرکاری را که در یک لحظه می‌دید برای مدت‌های طولانی با تمام جزئیات در ذهنش بود و این توان را داشت که مجسمه‌ای که از مدل زنده ساخته شده از روی مجسمه بدون نگاه کردن به مدل بگویند که چه معاییی دارد و به چه تخیراتی نیاز هست. من از شاگردان نزدیک ایشان بومد، بعد از سه سال که با ایشان کار کردیم او هیچ‌گاه به کار ما دست نزد. وقتی به‌خانه استاد رفتیم درس عجیبی گرفتیم. کار ما مشخصات نگاه ایشان بود که روی آن نشسته بود. اگر معلم به درس مسلط باشد آنچه در کلام انتقال می‌دهد می‌تواند اصول نهایی کار باشد.ایشان حجم عظیمی از طراحی‌هایشان را به ما نشان دادند که از مدل دانشکده بود. او حالت مدل را در ذهنش نگه می‌داشت و در خانه آن را طراحی می‌کرد و آنقدر حافظه‌اش قوی بود که به شکل مانند تصویر مقابل عمل می‌کرد. خصلت سوم، شخصیت ایشان بود. او یک انسان جدی و سازش‌ناپذیر و بشدت مهربان بود. محبتی که در پس جدیت ایشان برقرار بود در بسیاری از افراد پیش رو دیدم. جدیت و پایبندی به اصول به اتفاقی منجر شد که او در میانسالی آن را طی کرد و بعد اما در دوره انقلاب که مقتضیات آن زمان فرق می‌کرد باید طرحی نو

### ناصر یا

اگر امروز ناصر عبداللهی زنده بود، ۵۰ ساله می‌شد و داشت شمع تولدش را فوت می‌کرد و حتما یکی از محبوب‌ترین و پرطرفدارهای موسیقی ایرانی بود. ۱۰ دی ماه سال ۴۹ متولد می‌شود و ۲۹ آذر ۸۵ هم دیگر بدگلوله‌ی ترانه‌ای نمی‌خواند و این زمانی است که او تنها و تنها ۳۶ ساله است. ۳۶ ساله‌ای که در اوج است و دارد می‌ی اوج می‌گیرد و محبوب‌تر می‌شود. آن هم در دوره‌ای که موسیقی پاپ تازه دار جان می‌گیرد و او جزو اولین‌های پاپ بعد از انقلاب است که کنسرت‌هایش طرفدار دارد و صدایش طرفدار زیاد دارد و از مهم‌ترین‌های پاپ ایران است. اما این برطرف‌دار بودن او را از مرگ جدا نمی‌کند. درست عین بسیاری از خواننده‌هایی که در اوج چشم به دنیا بستند. درست عین احمد ظاهر افغانستانی که تنها ۳۳ سال داشت و مرد. یا عین داوود مقامی خواننده کوچه‌بازاری که او هم ۳۳ سال داشت و مرد. این مردن‌ها خیلی غریب است. این مردن‌ها را رب می‌انگیزند. اما برگردیم به ناصر عبداللهی، بعضی‌ها در مرز بین واقعیت و افسانه زندگی می‌کنند. اصلا در ذات‌شان رازآمیزی وجود دارد. مثلاً بیایید یک سفر به اسپانیا برویم و سری به شاعر مهم آن دیار بزنیم. فردیکو گارسیا لورکا، شاعری که زیست شاعرانه‌اش او

را جزو افسانه‌ها می‌کند و مرگش هم جزو افسانه‌هاست. مرگی که هیچ‌کس به وضوح نمی‌داند چه اتفاقی افتاده است. کسی نمی‌داند او چطور مرده. هرکسی روایتی نقل می‌کند و این‌ها را رازآمیز می‌کند. اصلاً انگار بعضی‌ها به دنیا می‌آیند که راز دور و برشان را بگیرد و همان طور هم از دنیا بروند. لورکا شاعر و نمایشنامه‌نویسی که قدرت بی‌پایلی دارد و او هم تنها ۳۸ سال زندگی می‌کند و حالایی که از مهم‌ترین‌ها در دنیاست. یکی از آن‌هایی که در همان سن کم توانسته تأثیر عمیقی در دنیای خودش بگذارد.

باز هم برگردیم به ناصر عبداللهی. آن روز در میان فایل‌های موجود کنسرت‌ها در فیلیمو چشم‌افاد به نام عبداللهی. کنترل را چرخاندم روی اسم او کنسرتش را باز کردم. چیزی که بود با کنسرت‌هایی که این روزها می‌بینیم فرق داشت اما این عبداللهی بود که سلطان صحنه بود. اما شکل کنسرت شکل کنسرت‌های ده هشتادی بود با نوع فیلمبرداری آن دهه. همه چیز آرام آرام در آن دوره دارد جان می‌گیرد اما این ناصر عبداللهی است که از قافله عقب می‌ماند. کسی که طرفدار زیاد دارد و اگر اسمش را بشنوید یادتان می‌آید به آهنگ ناصریا که با آن مشهور شده بود و همگاری‌اش با داریوش و همگاری‌اش با محمدمعلی بهمنی و مشهور بودنش و بعد هم افسانه‌هایی که دور و برش می‌چرخید افسانه‌ای که با مرشدش قوی‌تر شد. مرگی که اگر به‌ویکی‌پدیای او مراجعه کنید می‌بینید نوشته از مرگ ناصر عبداللهی. اما او هر طور که مرده باشد یکی از اثرگذاران موسیقی پاپ ایرانی است. کسی که از بندرعباس ظهور کرد و توانست شکل خودش باشد. کسی که صدایش شبیه کسی نبود و شبیه خودش بود. آن هم در دوره‌ای که شباهت خواننده‌های وطنی به خواننده‌های لس آنجلسی باب بود و وقتی صدای‌شان را می‌شنیدی شکل صدای دیگری بودند و نه شکل صدای خودشان. او شبیه خودش بود. نه مثل خواننده‌های امروزی هم که همه‌شان به لطف دست‌کاری‌های صدایی شبیه به همدیگر هستند. در کنار خاطره ناصر عبداللهی می‌مائیم و می‌گوییم ناصر تا تولدت مبارک.



در انداخت. او از تدریس و کار منفک شد.

تا ۶ سال پیش تصمیم گرفته شد که یکی از آثار ایشان به شیوهای نگهداری و تثبیت شود و در فضای ارمانه نگهداری شود. با ایشان صحبت شد و سازمان زیباسازی شهر تهران قیمت اندکی معین کرد و قرارداد به گونه‌ای حداقلی تنظیم شد. بعد از مدتی شنیدم که استاد تریان حاضر نشده‌اند قرارداد را امضا کنند. رفتم به دیدارشان. ایشان گفتند من بیش از ۳۰ سال گوشه نشین نشدم که این قرارداد را با این مختصات بپذیرم. از شهرداری به خان‌ه‌ام آمدند بر سر من منت گذاشتند که ما فقط به احترام شما آمدیم من هم گفتم نمی‌خواهم اینگونه با منت با من رفتار شود. این گونه رفتارها در جهت تکریم هنرمندان نیست بلکه به گونه‌ای کوچک شمردن هنرمند است. هنرمندان بزرگی در این سال‌ها در ایران ظهور کردند. که از آنها فرصت وامکان دریغ شد. اگر می‌خواهیم بزرگداشتی برای ایشان بگیریم باید آنچه که سیره و تفکر ایشان است و تأثیر داشته است دیده شود. نه به خاطر مجسمه خوبی که ساخته است. بلکه به‌خاطر برآیند امواج متلاطم اجتماعی که نقطه اوجش هنرمند است. اینکه چگونه یک انسان در مسیر تعالی حرکت کند.

### باد گرفتن هنر از فضای مجازی

در دوران شیوع کرونا همه بچه‌ها به فضای مجازی و تلفن‌های هوشمند مسلح شده‌اند. من نسبت به فضای مجازی نه بدبینم و نه خوشبین و معتقدم این فضا هم می‌تواند بسیار مفید و کارساز باشد هم مخرب و خطرناک. بچه‌ها زمانی می‌توانند بدرستی از امکانات فضای مجازی استفاده کنند که سواد مجازی به‌دست بیاورند. متأسفانه در این دوران حتی نمایش‌ها و فیلم‌هایی که ظاهراً برای کودکان ساخته و طراحی شده‌اند در فضای مجازی منتشر شده است که با بررسی بیشتر متوجه می‌شویم

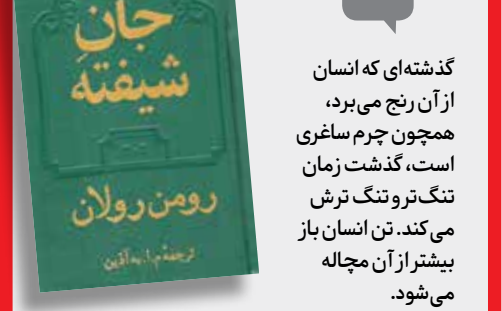
بعضی از آنها مناسب کودکان نیست. اما کودکان می‌توانند از این فرصت استفاده کنند و با استفاده از جست و جوگرها و اپلیکیشن‌های مختلف برای سوالاتی که در ذهن‌شان است پاسخ پیدا کنند. سوالاتی درباره ایران، طبیعت کشورمان و جاذبه‌های گردشگری و طبیعی هر شهر و استان. در کنار این کار پیشنهاد می‌کنم کودکانی که علاقه‌مند به هنر هستند از نرم افزارها و سایت‌هایی که در آنها نقاشی و خطاطی آموزش داده می‌شود یا خلاقیت بچه‌ها را با هنرهایی مانند کاردستی

پرووش می‌دهند، استفاده کنند. کافی است در جست‌وجوگرها عبارات «آموزش ساده نقاشی برای کودکان» را جست‌وجو کنید و اجازه دهید بچه‌ها از آن استفاده کنند. این نرم‌افزارها و سایت‌ها هیچ خطری برای بچه‌ها ندارند و خیال پدرها و مادرها می‌تواند از وقت گذرانی فرزندان‌شان در این فضا راحت باشد. من و همکارانم در حوزه کودک برنامه‌ای به‌نام «بسته جامع درسا» در فضای مجازی داریم که در این بسته به کودکان نقاشی، موسیقی و خلاقیت آموزش می‌دهیم و خودم همراه عروסקی به‌نام ژولی پولی به بچه‌ها نقاشی و خلاقیت آموزش می‌دهم. فضایی امن که بچه‌ها در آن با حضور افراد کاربلد هنرهای مختلف را یاد می‌گیرند.

### عکس نوشت

«راد حمانی» زن هندی با وجود اینکه پا به سن گذاشته روزانه با پای پیاده حدود ۵۰۰ کتاب در بین خانواده‌های فقیر استان کرا لا کشور هندوستان توزیع می‌کند.

حمانی خودش ساکن روستایی در منطقه وایاناد استان کرا لا هند است و آرزوهای کودکی‌اش را دلیل این کارش می‌داند و می‌گوید خودش در کودکی کمتر به کتاب دسترسی داشته و حالا دوست دارد زنان و کودکان روستاهای این استان فقیرنشین در کشور هند بتوانند کتاب مطالعه کنند.



جان شیفته / رومن رولان ترجمه: م.ا.به آذین / نشر: دوستان

### گذشته‌ای که انسان از آن رنج می‌برد، همچون چرم ساغری است، گذشت زمان تنگ‌تر و تنگ‌ترش می‌کند. تن انسان باز بیشتر از آن مچاله می‌شود.

■ **ادی به نام تاریخ**
سال ۱۳۰۱ در چنین روزی روزنامه «کوشش» توسط شکرالله صفوی روزنامه‌نگار و نماینده مجلس شورای ملی منتشر شد. انتشار این روزنامه ۴۵ سال ادامه داشت.

■ **تولها**
**لیلیت تریان:**مادر مجسمه‌سازی ایران سال ۱۳۰۹ در چنین روزی به دنیا آمد. مادر لیلیت تریان در فرانسه در رشته هنر تحصیل کرده بود و به همین دلیل از کودکی با دخترش طراحی و نقاشی کار می‌کرد. لیلیت تریان راهی فرانسه شد تا در مدرسه عالی ملی هنرهای زیبای پاریس در رشته هنر تحصیل کند و در این دوران به مجسمه‌سازی علاقه‌مند شد. پس از بازگشت به ایران به عنوان یکی از نخستین مجسمه‌سازان زن ایران شروع به تدریس هنر کرد و خانه پدری‌اش را به کارگاه هنر تبدیل کرد. او در سال‌های فعالیتش در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی زیادی حضور داشت و مجسمه‌هایی ساخت که جزو آثار ماندگار هنر مجسمه‌سازی ایران هستند. مجسمه‌هایی مانند پیکره بیرم خان در محوطه کلیسای مریم مقدس تهران و پیکره مسروپ ماشوتس پدیدآور الفبای ارمنی در محوطه کلیسای تارگماچاتس مقدس تهران. او سال ۱۳۹۷ درگذشت.
**ناصر چشم‌آذر:**موسیقیدان و آهنگساز مشهور ایرانی سال ۱۳۲۹ به دنیا آمد. ناصر چشم‌آذر از پدرش اسماعیل چشم‌آذر موسیقی را یاد گرفت و از کودکی ساز آکاردئون می‌نواخت. در ۱۲ سالگی همراه پدرش وارد ارکستر آذربایجانی رادیو شد. او شاگرد استادانی مانند مرتضی حنانه و ملیک اصلاتیان بود و پس از گذراندن دوره موسیقی «جز» در آمریکا از پیشگامان سازهای الکترونیک در ایران شد. اولین ملودی‌اش را در ۱۳ سالگی ساخت و در سال‌های فعالیتش آلبوم‌های «برای باران»، «باران عشق»، «طلوع شادی»، «باران شادی»، «شب‌های تهران»، «شکوفه‌های ایران» و «تو برقص» از او منتشر شد. ناصر چشم‌آذر سازنده موسیقی فیلم‌هایی مانند «آجاره‌نشین‌ها»، «هامون»، «ای ایران»، «باتو»، «می‌خواهم زنده بمانم»، «خاوران‌گر غریب»، «قارچ سمی»، «شمعی در باد»، «آتش‌پس» و «سوپراستار» و سریال «قصه‌های مجید» بود. او سال ۱۳۹۷ درگذشت.

■ **سالروز تولد محسن کرمانی**
خواننده و مدرس آواز، **ناصر عبداللهی** خواننده، **عزیزشعبانی** مدرس موسیقی، **علی تابش** گوینده رادیو و کم‌دین، **محمودپاک نیت‌باز**یگر، **هوشنگ حسامی** نویسنده و کارگردان، **صمدوحادی‌زاده** کارگردان و بازیگر، **رضا جوشعار** نمایشنامه‌نویس و کارگردان، **علیرضا آدینه‌شاعر**، **مجید رضاییان** روزنامه‌نگار، **سیدمحمدامین جعفری** شاعر، **میترا اورداستان** نویس، **محمدقادرپور** داستان‌نویس و **رضامختاری** داستان‌نویس هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**
**جواد بدیع‌زاده:** آهنگساز و خواننده ایرانی سال ۱۳۵۸ در چنین روزی درگذشت. جواد بدیع‌زاده متولد ۱۲۸۱ بود و پدرش بدیع‌الملکمکملین از روحانیون مشروطه‌خواه بود که تسلط کافی بر ردیف موسیقی ایرانی داشت و پسرش را هم با فن آواز مؤذنی، روضه‌خوانی و تعزیه آشنا کرد. جواد بدیع‌زاده در سال ۱۳۰۴ به عنوان نخستین خواننده مرد صفحه‌موسیقی ضبط کرد که نامش «جلوه‌گل» و از ساخته‌های خودش بود. پس از آن تا سال ۱۳۱۴ بدیع‌زاده ۲۴ تصنیف ساخت که «شد خزان گلشن آشنایی»، «داد دل»، «دل افسرده»، «خزان عشق» و «هدیه‌خاک» از مشهورترین آنها هستند.

■ **شهبازی‌ی:** اولین کارگردان زن سینمای ایران و بازیگر فیلم‌ها و سریال‌های مشهور سال گذشته در چنین روزی درگذشت. شهبازی‌ی متولد ۱۳۰۵ بود و در ۱۷ سالگی با تشویق همسرش اسماعیل ریاحی کار در تئاتر را آغاز کرد و برای اولین بار در نمایش «سیاست هارون الرشید» بازی کرد. او از سال ۱۳۳۰ با بازی در فیلم «خواب‌های طلایی» وارد سینما شد و سال ۱۳۳۵ فیلم «مرجان» را کارگردانی کرد و به عنوان اولین کارگردان زن سینمای ایران شناخته شد. شهبازی‌ی در سال‌های فعالیتش در فیلم‌های زیادی مانند «پرنده کوچک خوشبختی»، «گلنار»، «بچه‌ها طلاق»، «دلشدگان»، «می‌خواهم زنده بمانم»، «عروسی خون»، «تحفه‌هند» و «چشم‌عقاب» و در سریال‌های «در خانه»، «این خانه دور است»، «همسایه‌ها»، «همسران»، «فروشگاه» و «یک مهمان» بازی کرد.

■ **رقیه چهره‌آزاد:** مادر سینمای ایران سال ۱۳۲۳ درگذشت. رقیه چهره‌آزاد سال ۱۲۸۶ به دنیا آمده بود و از ۱۹ سالگی در گروه تئاتر جامعه‌باربد کارش را آغاز کرد و بازی در نمایش «تأثیر زن در جامعه» نخستین کارش بود. او با فیلم «توفان زندگی» در سال ۱۳۲۷ وارد سینما شد و پس از آن در فیلم‌هایی مانند «پریچهر»، «مأسفاری از بهشت»، «آقای هالو»، «رگبار»، «سوتنه‌دلان»، «ارثیه»، «مادر»، «عروسی»، «دلشدگان» و «طهران روزگار نون» بازی کرد. در تلویزیون هم بازی‌های چهره‌آزاد را در سریال‌های «هزارستان»، «این خانه دور است»، «مزد ترس» و «آرایشگاه زیبا» دیدیم. او برای بازی در فیلم «مادر» سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را از جشنواره فیلم فجر گرفت.

■ **حسین یوسف** زمانی نوازنده ویولن، **فرود گرگین پور** نوازنده ویولن و کمانچه، **رومن رولان** نویسنده فرانسوی و **لوئیز رابینر** بازیگر آلمانی هم در چنین روزی درگذشتند.

### عکس نوشت

